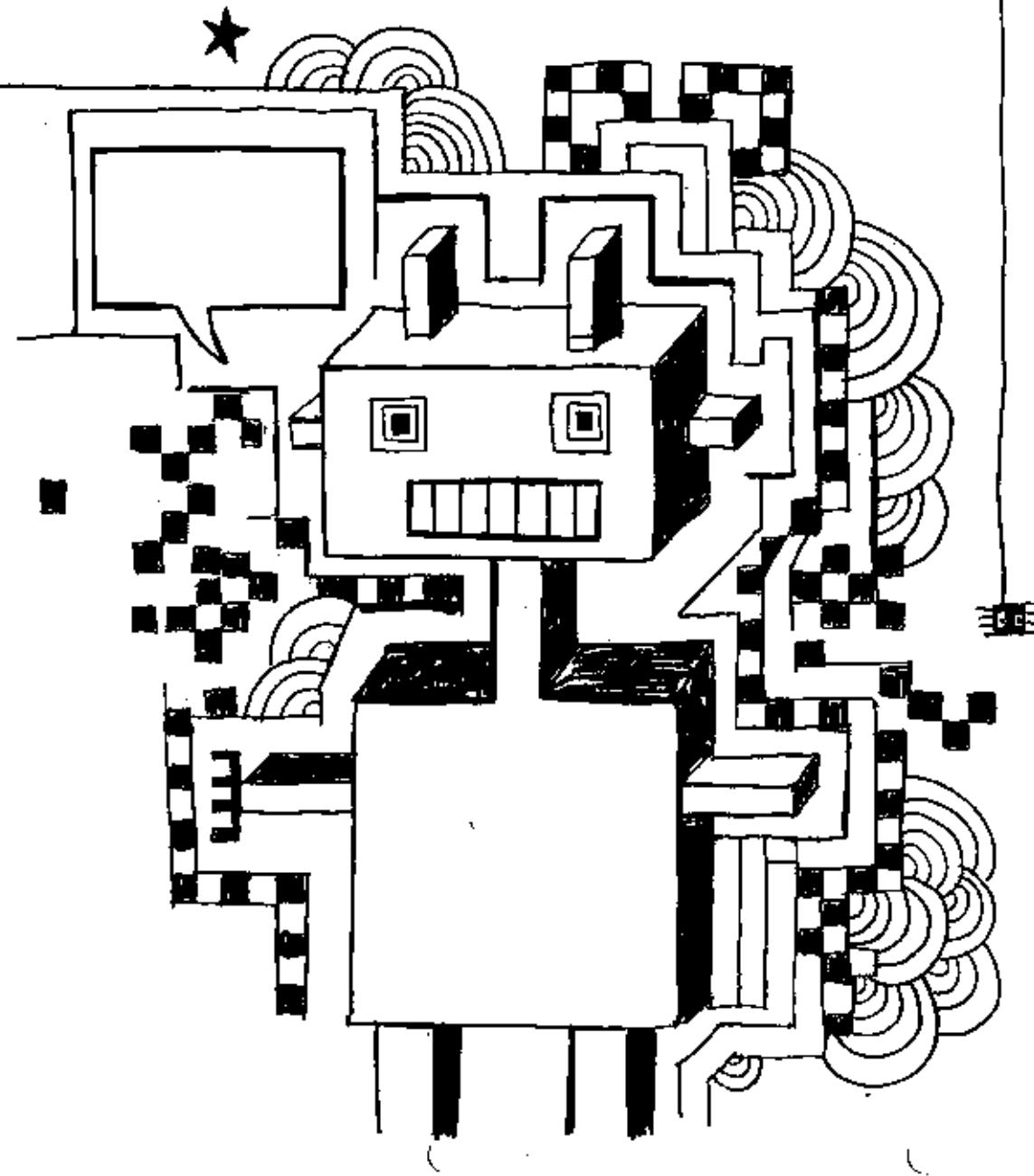
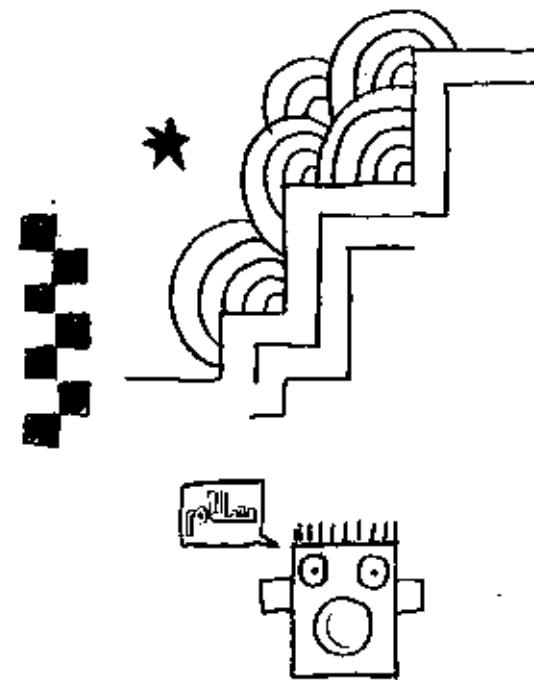


تام،

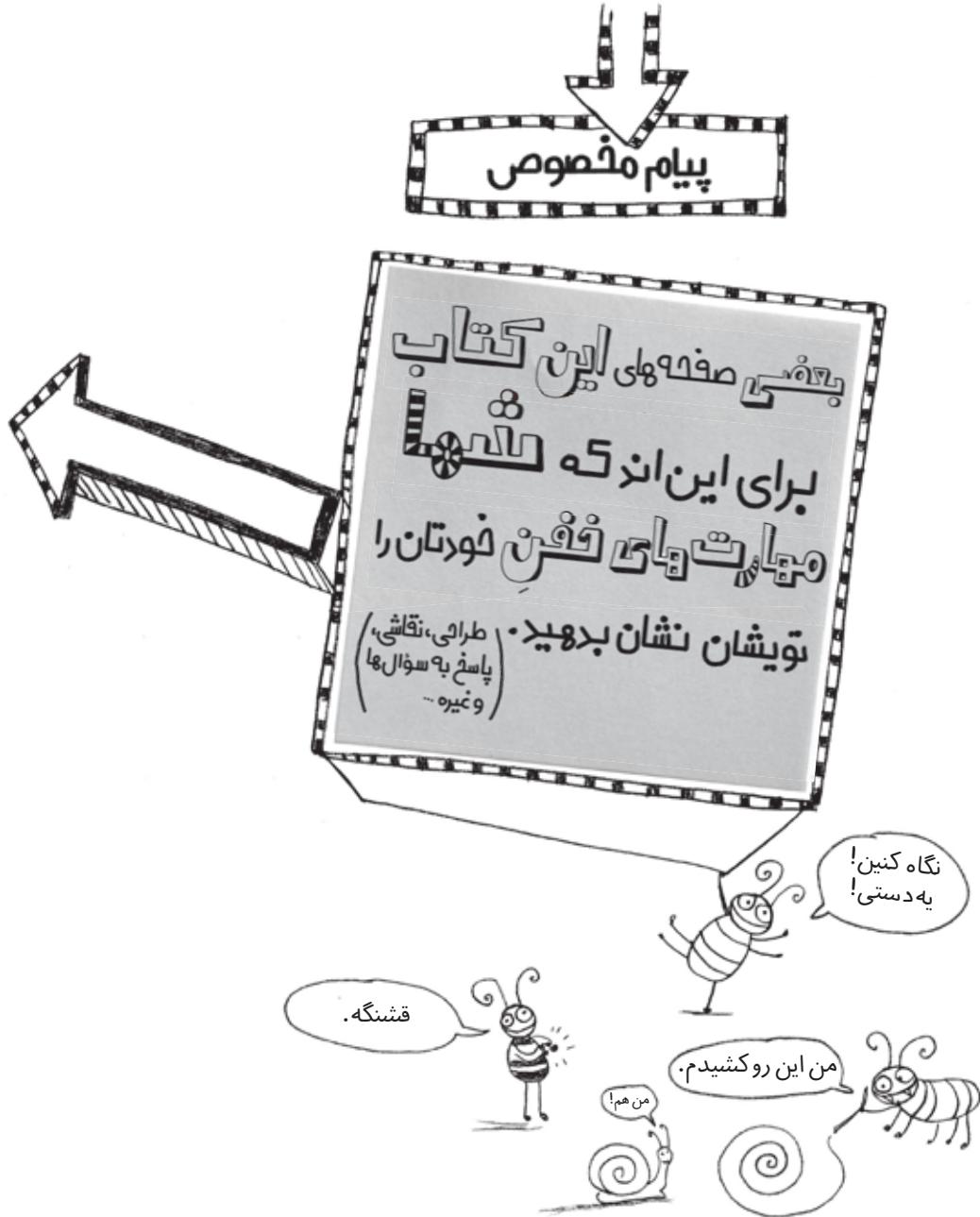
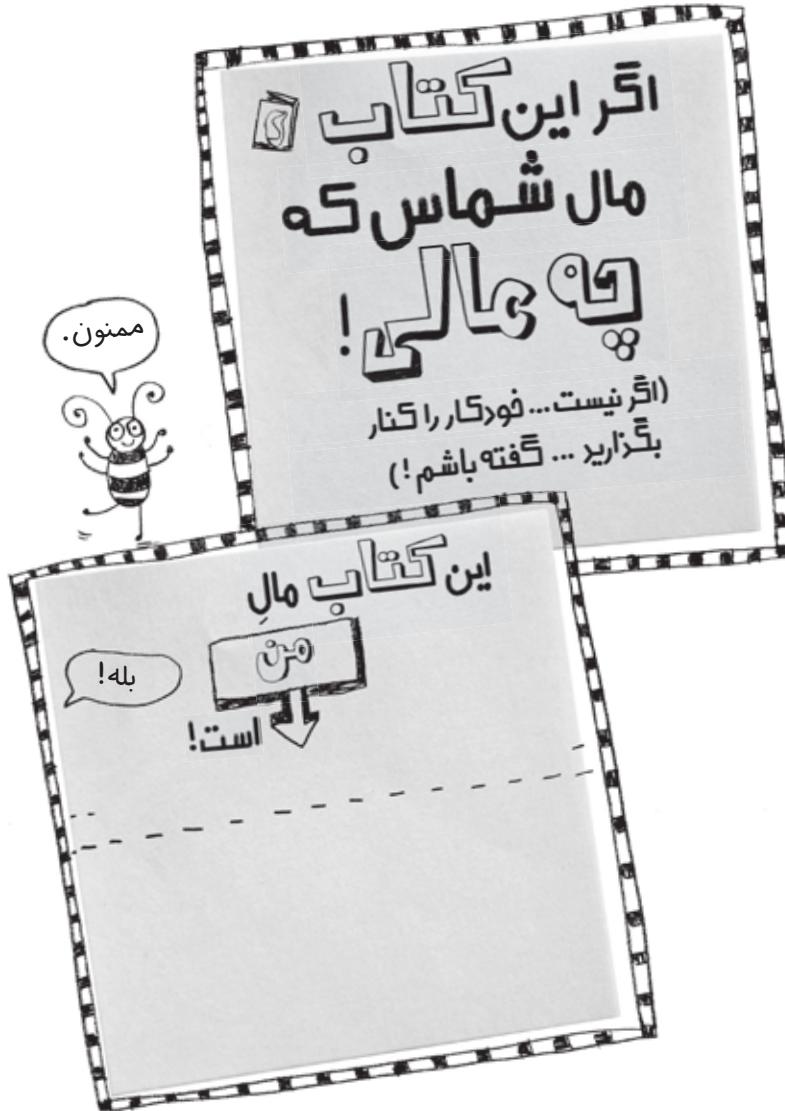
لطفاً برای تکالیف ریاضی تعطیلات،
از این کاغذ شطرنجی استفاده کن.

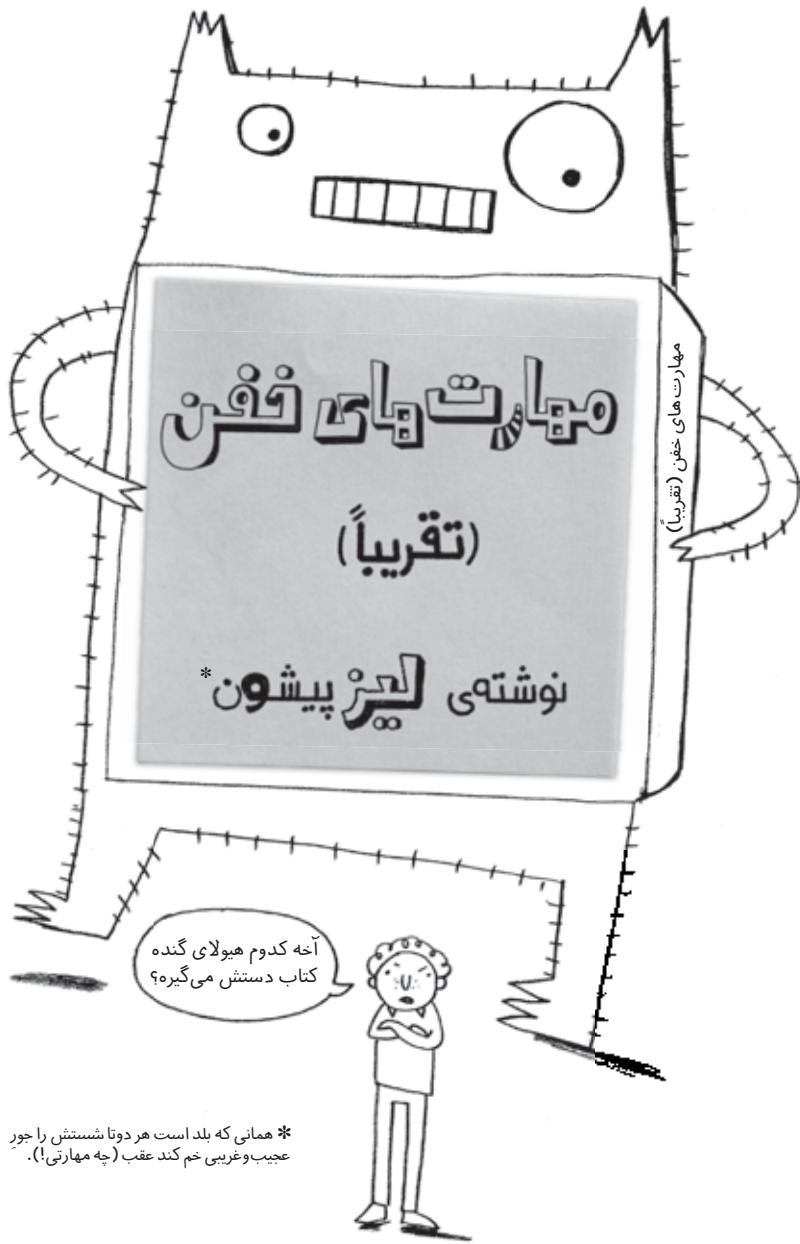
آقای فولرمن

$$7 \times 7 = 49$$
$$8 + 1 =$$









* همانی که بلد است هر دو تاشیشن را جور
عجیب و غریبی حم کند عقب (چه مهارتی!).

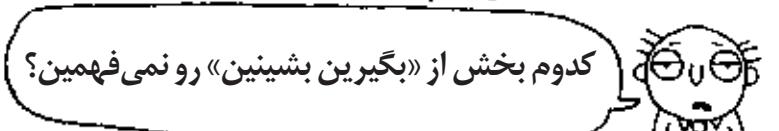
صفحه‌های ۱۵۰-۱۵۹ صفحه‌های ویژه‌ای که قرار است توشان نوشته‌ها کاری باشند	
صفحه‌های ۱۸۷-۱۹۶	توی حباب‌ها جمله‌های آقای فولرمن را بنویسید.
صفحه‌های ۲۰۰-۲۰۹	خوردنی‌های عجیب و غریب خودتان را بکشید.
صفحه‌های ۲۱۳-۲۲۲	یاد بگیرید چطور مارکوس را بکشید.
صفحه‌های ۲۲۶-۲۳۵	جاهاي خالی در مشق سنج تعطیلات را بر کنید.
صفحه‌های ۲۴۰-۲۴۹	بهانه‌های به درد خور برای نوشتن مشق ادم‌فضایی‌های خودتان را بکشید.
صفحه‌های ۲۵۳-۲۶۲	رنگ‌آمیزی تعطیلات شما چه نقاشی‌ای بانی و میوه می‌کشید؟
صفحه‌های ۲۶۶-۲۷۵	نقاشی «بله!» را با سلیقه خودتان تکمیل کنید.
صفحه‌های ۲۷۹-۲۸۸	تی شرت خودتان را طراحی کنید.
صفحه‌های ۲۹۰-۲۹۹	سوال‌های درست یا غلط نه خیلی حوصله سربر کاغذهای چسبدار خفن
صفحه‌های ۳۰۱-۳۱۰	نوشته‌های خفن روی کاغذهای چسبدار حروف C انگلیسی را پیدا کنید، بعد رنگشان کنید.
صفحه‌های ۳۱۴-۳۲۳	خبر! تیر شما چیست؟
صفحه‌های ۳۲۷-۳۳۶	فهرست گفته‌های مامان (حالا مال خودتان را بنویسید).
صفحه‌های ۳۴۰-۳۴۹	چطور بولینگ بطری آبی بازی کنیم.
صفحه‌های ۳۵۳-۳۶۲	عنکبوت خودتان را با کاغذ الومینیومی بسازید.
صفحه‌های ۳۶۶-۳۷۵	از پشت پنجره می‌بینم...
صفحه‌های ۳۷۹-۳۸۸	صفحه‌ی مخصوص پر تکردن حواس (دقیقاً هم است ها) کلی کارهای باحال دیگر
صفحه‌های ۳۹۲-۴۰۱	جواب سوال‌ها

از قوچم ثیرهارم که فوشالم



آفکه فولرمن همین طورهی آه لی کشر و اخم می کند و بعد هم

چیزهایی مثل این می گوید:



خیلی عجیب است که این هفته خُلق آفکه فولرمن خیلی تنگ بوده. نمی دانم چرا. آدم فکر می کند قاعده‌تاً باید خوشحال باشد، چون تقریباً او اخر نیمسال تحصیلی مان است.



خُلق آفکه فولرمن تنگ است.

فکر کنم آقای فولرمن انتظار داشت همه‌ی ما بگوییم...

لُرْلَشْن و نَقَاشْن آقا!

آقای فولرمن برد را فرستاد بروود بیرون کلاس بشینند و به
احمقانه بودن کارش فکر کند. باقی مدت کلاس را مجبور شدیم همگی

سَكَتْ

بشنیم، که برای من راحت نبود، چون سرم پُر چیزهایی بود که دلم
می خواست درباره شان حرف بزنم.



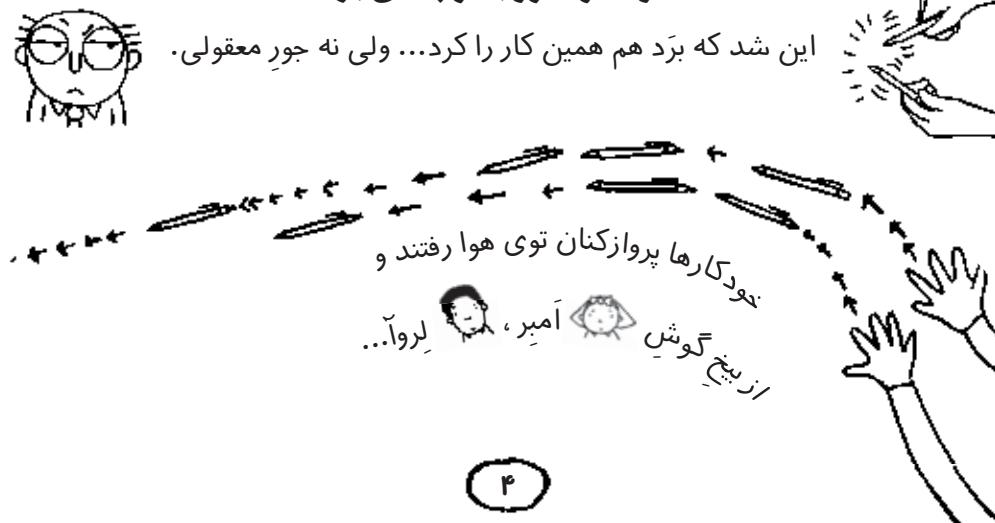
تمرکزکردن حتی از این هم سخت‌تر بود چون وقت‌هایی که حواس
آقای فولرمن نبود، سروکله‌ی برد هی پشت در پیدا می‌شد.

من سعی می‌کردم نخندم، ولی قیافه‌ی آقای فولرمن کمکی بهم
نمی‌کرد. همین قضیه فکر چندتایی نقاشی را به سرم انداخت...

ولی برد گلُوی به این نتیجه رسید که خودکارها می‌توانند چوب طبل‌های
معرکه‌ای هم باشند و با ضرب گرفتنی دیدنی روی میزش این قضیه
را نشان داد.

«خودکارها رو بذار پایین برد.»

این شد که برد هم همین کار را کرد... ولی نه جور معقولی.

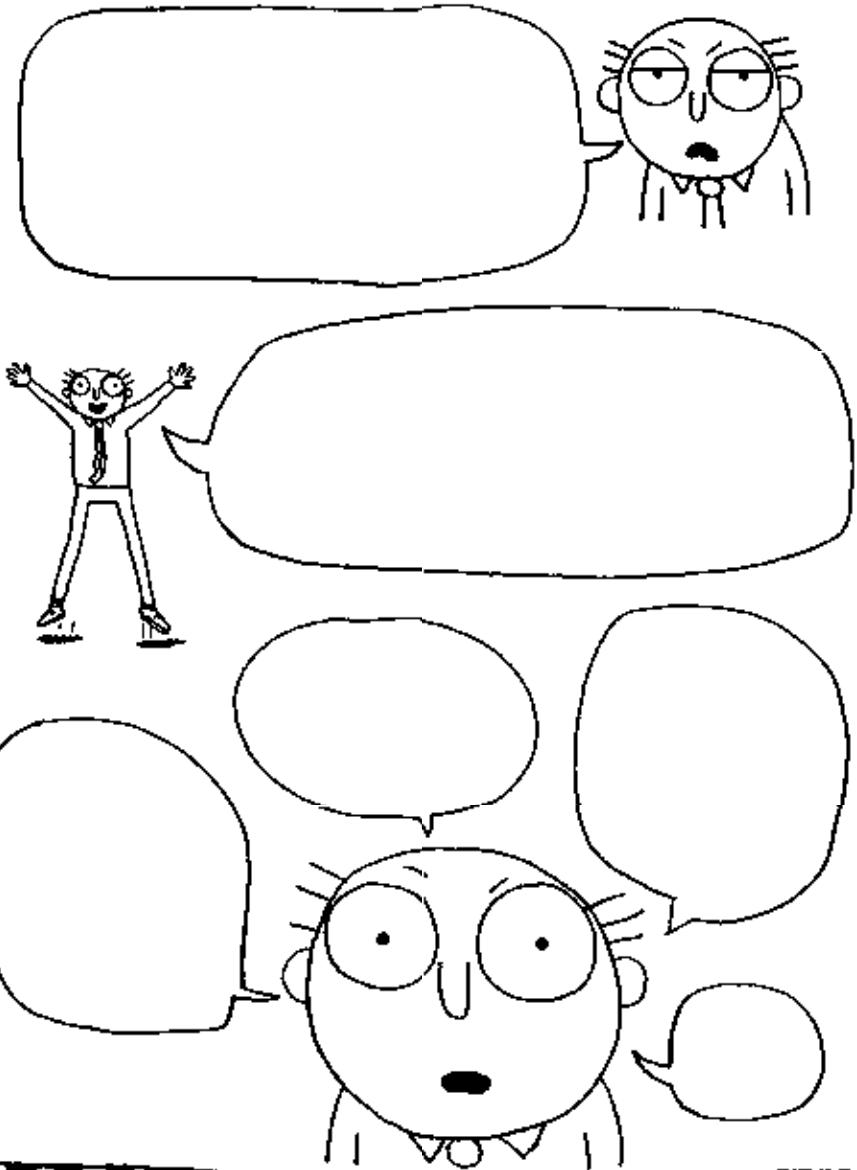
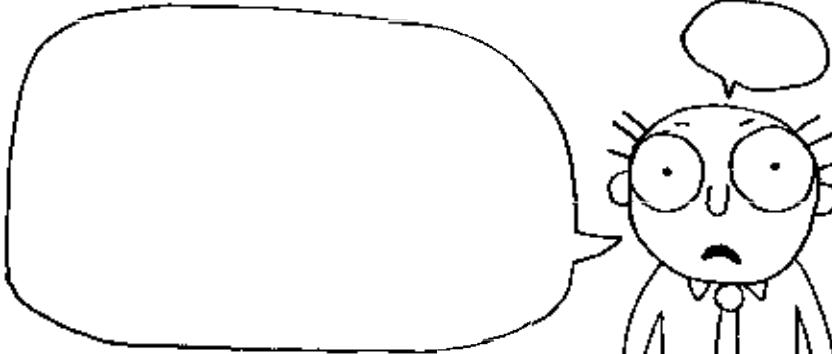


 قطعاً از مشق نوشتن برایم باحال تر بود دیگر. جمله های خودتان را

توی حباب ها **پکناریز**...

هر کسی کیک دوست نداره خره!

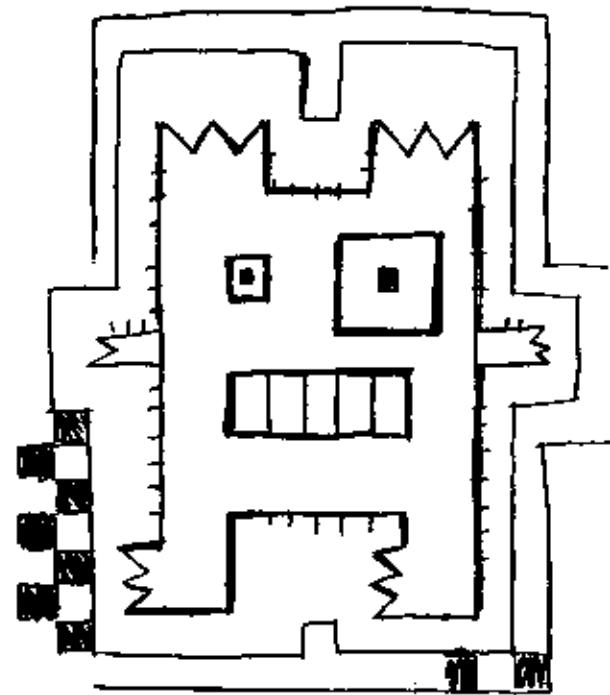
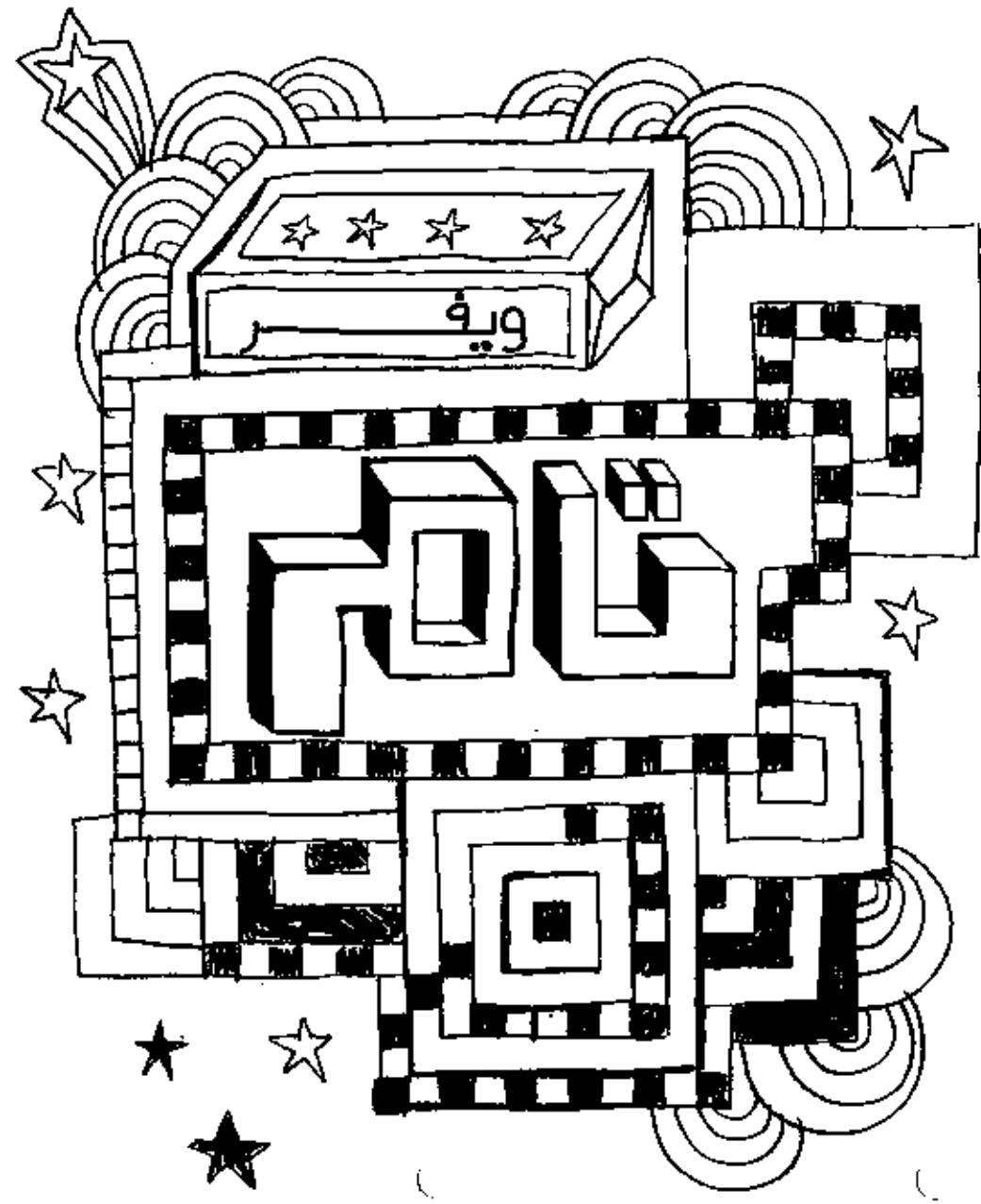
(هاها!)



لین یېڭى مەۋافىي قاچ، لەت كە ئەرپىزى دەنەنەن فۇاەد ئۇيىش بىكشىدا
(ئالش را بىرىد!)









عجبیه که آدمیزاد کتاب‌هاش رونمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند، زیرا:
این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کنند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود.
این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگرند و جایه‌جایی کتاب‌های تهیه شده با آن، آسان‌تر است.
و مهم‌تر از همه اینکه برای تأیید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

..... به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر